

حرف درشت

چرا هالووین یک جشن ایرانی است؟



پوریا عالمی

● خیلی‌ها فکر می‌کنند خارجی‌ها هر کاری می‌کنند ناپس و تودلی است و آنها هم آن را انجام می‌دهند؛ مثلا از انداختن چادر روی صورت و رفتن در خانه همسایه‌ها و قاشق‌زنی بدشان می‌آید و می‌گویند کدایی است، اما خوششان می‌آید که با ماسک ترسناک بروند در خانه همسایه و چیزی بگیرند. عیبی هم ندارد. مرغ همسایه همیشه غاز بوده است. تخم‌مرغ همسایه هم تخم طلاست.

اما ما امروز به شما ثابت می‌کنیم که بی‌بربرگرد هالووین ایرانی است؛

دلیل اول

ببینید توی هالووین مردم ادا درمی‌آورند که همه‌چیز ترسناک شده، درحالی‌که ما نازیی نداریم ادا دربیاوریم و واقعا خیلی چیزها ترسناک است.

دلیل دوم

توی هالووین لباس ترسناک می‌پوشند و به خانه هم می‌روند. ما توی خانه خودمان یکهو یکی در را باز کند و بیاید تو، لباسش هم ترسناک نباشد، از ترس زهره‌ترک می‌شویم.

دلیل سوم

توی هالووین مردم ماسک به چهره می‌زنند.

ما همیشه ماسک به چهره می‌زنیم و به این می‌گوییم قربانت بشوم، به آن می‌گوییم نوکرتم، بعد با اسم مستعار توی مهمانی و اینترنت طرف را رنگی می‌کنیم.

دلیل چهارم

توی هالووین مردم از کدوخلوایی استفاده می‌کنند، درحالی‌که اولین استفاده از کدوخلوایی در تاریخ مال شش‌لقرمی است که رفت توی کدوتیل تا گرکه نخوردش.

دلیل پنجم

توی هالووین مردم دور هم جمع می‌شوند تا کمی ترس را تجربه کنند، درحالی‌که ما همیشه با دوستانمان جمع می‌شویم و می‌زنیم ۲۰:۳۰ و همگی می‌ترسیم.

شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱۰ آبان ۱۳۹۶ • ۱۲ صفر ۱۴۳۹ • ۱۰ نوامبر ۲۰۱۷ • سال پانزدهم • شماره ۳۰۱ • ۲۰ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۰۹ • اذان صبح فردا ۵:۰۲ • طلوع آفتاب ۶:۲۷

روزنفرها

fardashargh@gmail.com

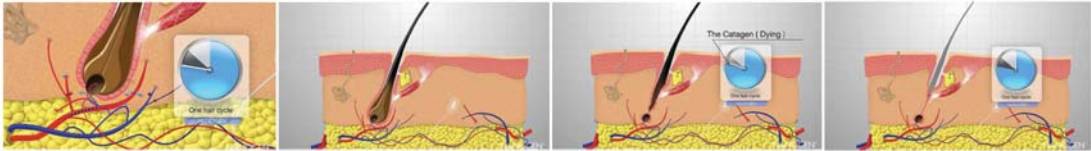
کارتون خواب

آروین

arvinmad@gmail.com



بالاخره یک راه برای رفع قطعی ریش مو و رویش مجدد موهای از دست رفته کشف شد...



بعد از ۴ ماه



بعد از ۴ ماه



مشکل کم حجمی موهایتان را از ریشه و برای همیشه (بدون کاشت مو) حل کنید .

علت ریزش موها و پیامد ها	چرا موها ریزش پیدایمی کنند؟	بسته رویش موی ۵۰۴۰ قطور باعث قطع ریزش و رویش موها خواهد شد؟	چطور مطمئن باشیم ادعای این محصول (رویش مجدد مو) واقعیت دارد؟
ریزش مو در سنین مختلف و در پی عواملی همچون آلودگی هوا، استعمال دخانیات، تغذیه نامناسب، ابتلا به تیروئید، افزایش سن و عوامل ژنتیکی روی می دهد که در تمامی این موارد فولیکول مو ضعیف شده و به دلیل عملکرد نامناسب باعث ریزش مو خواهد شد. همچنین علاوه بر عوامل بالا، در افرادی که دارای پوست چرب می باشند اسید های چرب در روزه رویش مو نفوذ کرده و با بستن روزه به تدریج تار موها نازک شده و از ریشه قطع می گردند. شایان ذکر است معضل ریزش مو دارای سن خاصی نبوده اما طبق شواهد گزارش شده آقایان اولین نشانه های ریزش مو را در سن بین بیست تا سی سالگی تجربه می کنند اما در خانم ها به دلیل عواملی همچون کمبود آهن، بارداری و دلایل هورمونی این معضل ممکن است حتی قبل از سنین بیست سالگی نیز ظاهر شود.	فولیکول مو که ما آن را با نام عامیانه ریشه مو می شناسیم در لایه دوم پوست یا درم قرار دارد و از طریق اتصال به پیاز مو و نیز ارتباط با رگ های خونی مواد مورد نیاز رشد مو را فراهم می سازد همچنین در کنار فولیکول مو گیرنده های هورمونی قرار دارند که دستور رویش و یا ریزش مو را صادر می کنند. اما به تدریج و با تاثیر عوامل ذکر شده در ریزش مو، پیاز مو قدرت فراهم آوردن مواد مغذی از طریق رگ های خونی را از دست داده و با تضعیف ریشه مو، تار موها به تدریج نازک شده و ریزش فوری روی خواهد داد. در ادامه با توقف صدور رویش مجدد موها توسط گیرنده های هورمونی مجاور ریشه مو، منافذ رویش مو بسته شده و امکان رشد مجدد تار مو را از بین می رود، به این ترتیب فولیکول یا ریشه مو غیر فعال شده و در اصطلاح می میرد.	بسته رویش موی ۵۰۴۰ قطور باعث قطع ریزش و رویش موها خواهد شد؟ بسته قطع ریزش و رویش موی ۵۰۴۰ با دارا بودن عصاره های گیاهی مورد نیاز ریشه مو نظیر رزماری، آویشن، حنا، صدر، بابونه و ... باعث افزایش سرعت رساندن مواد مغذی به ریشه مو شده، با افزایش جریان خون مویرگی در کف سر باعث تسریع جریان نقل و انتقال مواد مغذی به پیاز مو شده و به این ترتیب باعث قطع ریزش مو بلافاصله پس از اولین استفاده خواهد شد. این بسته همچنین با تاثیر برگیرنده های هورمونی مجاور ریشه مو موجب صدور و دستور رویش مجدد به ریشه شده، به این ترتیب فرد در طی دوره ۴ ماهه شاهد رویش مجدد موهایی خواهد بود که طی سالیان گذشته به هر دلیل از دست داده است. در اثر استفاده از این بسته ضخیم شدن تار موهای فرد قطعی است.	این بسته دارای رضایتمندی ۹۸/۵ درصدی مشتریان ۵۰۴۰ است، همچنین به دلیل تاثیرگذاری قطعی و موثر توانسته مجوز وزارت بهداشت را نیز به عنوان محصول موثر در قطع ریزش و رویش مجدد مو کسب کند. علاوه بر این،شرکت ۵۰۴۰ با دلیل اطمینان بالا از تاثیر گذاری این محصول برای آن گارانتی ۱۰۰ درصدی مرجوعی در نظر گرفته که چنان چه شما اولین استفاده خواهد شد. این بسته همچنین با تاثیر برگیرنده های هورمونی مجاور ریشه مو موجب صدور و دستور رویش مجدد به ریشه شده، به این ترتیب فرد در طی دوره ۴ ماهه شاهد رویش مجدد موهایی خواهد بود که طی سالیان گذشته به هر دلیل از دست داده است. در اثر استفاده از این بسته ضخیم شدن تار موهای فرد قطعی است.



برای اطلاعات بیشتر عدد ۶۷ رابه سامانه پیامکی ۰۵۰۴۰۳۰۰۰ ارسال نمایید.

مشاوره رایگان ۰۲۱-۴۵۷۳

6040.ir

یادداشت

دلتنگی‌های یک شهرساز غمگین

به مناسبت روز جهانی شهرها

آن روزها کوه‌های شمیران را نفروخته بودند و کوه‌های شمال شهر بخشی از کالبد و هویت تهران به‌شمار می‌رفتند. آن روزها بچه‌ها می‌دانستند «حیات» یعنی چه و بازیگوشی در کوچه چه طعمی دارد. آن روزها بچه‌ها با دوچرخه‌سواری بزرگ می‌شدند و لشکر موتورسوارها پی یک لقمه نان از سر و کول هم بالا نمی‌رفتند. آن روزها تهران جنگل اتومبیل نشده بود و هزینه زندگی در تهران آن‌قدر بالا نرفته بود که هزاران هزار نفر را به کوچ اجباری وادار کند.

زمان سیری شد و دانشجویان آن کلاس چندپاره شدند. برخی بار سفر به سرزمین‌های دور را بستند. چند نفری شغل‌های دولتی رنگ‌وبار گرفتند. برخی که دریافتند «شهرسازی یعنی هیچ» پایان‌نامه‌هایشان را در گوشه‌ای دفی کردند و یادشان رفت برای شهرساز شدن جقدر بی‌تابی می‌کردند، همان‌هایی که قبول کردند نظام شهری بسان یک دستگاه متعادل‌کننده عمل نمی‌کند و بخش‌های مختلف را به‌هم پیوند نمی‌دهد. قبول کردند شهروندان، هویت‌شان را حفظ نمی‌کنند و به هویت دیگران هم احترام نمی‌گذارند. قبول کردند این شهر به دیگران تعلقی دارد و نه آنها.

خوش خیال بودیم و تصور می‌کردیم شهر جایی برای هر خانواری با هر سطح درآمد و نیازی مهیا خواهد کرد. خیال می‌کردیم شهر هم به خوشبخت‌ها تعلق دارد و هم به مأیوس‌ها، هم با سرخوش‌ها سر می‌کند و هم دل زخم‌خورده‌ها را به‌دست می‌آورد. آن روزها شهر را با تنوع فرهنگی و اجتماعی آدم‌هایی که قرار نبود مثل هم باشند، تعریف می‌کردیم؛ قلمرویی که قرار بود در آن کالبد‌های فیزیکی به خدمت جنبه‌های انسانی درآیند. تصور می‌کردیم زندگی در شهر آمیخته به مدنیت شده و قبیله‌گری را به هیچ خواهد گرفت. از واحدهای همسایگی حرف می‌زدیم و سرانه‌های فضای سبز و بازی را بالا و پایین می‌کردیم. اعتقاد داشتیم فضیلت شهروندبودن در اعتدالش نهفته، در انصافش و در قضاوتش. تصور می‌کردیم شهروندبودن یعنی سایرین را برابر با خود دانستن.

آن روزها از ته دل به حس مشارکت و سهم‌بودن شهروندها به‌عنوان یک باید اعتقاد داشتیم. آن روزها بچه‌های هر کوچه‌ای با کودکانی از اقشار دیگر دمخور بودند و هم‌بازی می‌شدند و تهران بر اساس پول و اتومبیل و اطوار طبقه‌بندی نشده بود.



حمیدرضا صدر

سال ۱۳۵۸ بود و ما، آن ۱۷، ۱۸ دانشجوی جوان لبالب از شور رشته فوق‌لیسانس رشته شهرسازی دانشکده هنرهای زیبا، برای شهرسازشدن بی‌تابی می‌کردیم. دانشکده‌مان اولین دانشکده در ضلع جنوبی دانشگاه بود و هیاهوی خیابان پس حاشیه صوتی کلاس‌ها بود و نهیب می‌زد «شهر» چه زنده است، چه پرشور.

آن روزها جوان بودیم و خام‌طبع. آن روزها تصور می‌کردیم خوشبخت‌ترین دانشجویان روزگار شده‌ایم. تهران پوست انداخته بود و تصور می‌کردیم یکی از آمیزشگران شهر و سرزمینمان خواهیم شد. کودک صفت بودیم و با شور به سخنان استادان گوش می‌دادیم. خوش بین بودیم و یادداشت برمی‌داشتیم، اسلج می‌کشیدیم، می‌خواندیم و بحث می‌کردیم. شهر، شهر و باز هم شهر.

زنانی که من دیدهام

پاریسی کوچک در دل کویر

زهرآ عمرانی

در سفرهای کاری و غیرکاری با زنان بسیاری مواجه شده‌ام؛ وجه مشترکشان خلق دنیایی پر از شور و حال، گاهی خوشحال، گاهی بدحال اما همیشه در مسیر کمال. این ستون گزارش‌های کوتاهی است از آن زنان و دنیا‌هایشان. قرا‌رمان را گذاشتیم در پارکی نزدیک حرم شاهزاده‌عبدالعظیم یا به قول او شابدولعظیم. اتوبوس‌شان به سمت کرپلا در آن پارک می‌ایستاد. دیدم خانم گیاهی نشسته روی فرش‌ی در میان نوه‌هایش. اولین بار بود که با صدیقه گیاهی ۵۸ساله، به عنوان «مادر بزرگ» و در جمع خانواده مواجه می‌شدم. او که ساکن روستای امیرآباد در ۶۰کیلومتری مشهد است، سال ۱۳۷۳ به ذهنش رسید تعاونی‌ای روستایی برای زنان راه بیندازد. پشتکارش در راهی که آغاز کرد آن هم در بین مردمی که زن را جدی نمی‌گرفتند، مثال‌زدنی است. می‌گوید: « با وجود اصرار اهالی نسبت به تأسیس تعاونی، پس از تأسیس هیچ‌یک از زنان تمایلی برای عضویت نداشتند، شرایط فرهنگی روستا هم طوری بود که کارکردن زن و حضور اجتماعی‌اش چندان پسندیده نبود.» اما او برای عضوگیری به یکایک ۱۴ روستای منطقه رفت و با تک‌تک خانم‌ها و همسرانشان صحبت کرد تا آنان را راضی کند عضو تعاونی شوند و درنهایت موفق شد با ۱۲۰ خانم تعاونی را راه‌اندازی کند. با توجه به موقعیت منطقه، در آن سال‌ها زمینه‌های اصلی تولیدی‌شان محصولات کشاورزی، قالی‌بافی، خیاطی، ایریشم‌دوزی، قلاب‌بافی، کیف‌بافی و گل‌دوزی بود. خیلی زود تعاونی الزهرا گل کرد و با توجه به تولیدات روزافزون، به فکر راهی برای فروش محصولات افتاد؛ همان سال اول سه فروشگاه از طریق تعاونی راه‌اندازی کرد تا چیزی را که تولید می‌کنند، بتوانند بفروشند. اولین فروشگاه با هدف تأمین مایحتاج اهالی روستا در امیرآباد باز شد و دو فروشگاه در دو روستای هم‌جوار؛ تقی‌آباد و آب‌گرم، تعاونی زنان روستایی به‌انه‌ای شد نه‌تنها برای ارتقای سطح مهارت‌های زنان روستا، بلکه برای افزایش کیفیت زندگی همه اهالی. با برگزاری کلاس و نمایش فیلم‌های آموزشی در حوزه‌هایی همچون کشاورزی، بهداشت، مسائل خانواده و اشتغال برای اهالی روستا، روی مهارت‌های فردی و گروهی زنان روستا تأکید می‌کرد. صدیقه گیاهی هم‌زمان با کارهای فرهنگی به کارهای زیرساختی نیز توجه می‌کرد. مثلا برای آوردن آب آشامیدنی به روستا آن‌قدر پاشزاری کرد و در جلسات مکرری با بخشداری و سازمان آب شرکت کرد تا مسئله آب روستا حل شد. آب که آمد برق هم باید می‌آمد. نامه پشت نامه به بخش بهسازی روستایی جهاد کشاورزی و ارگان‌های دیگر نوشت و خواستار تأمین برق روستا شد. پس از پیگیری‌های فراوان در سال ۱۳۸۰ – یعنی همین ۱۵ سال پیش – برق روستایشان وصل شد. بعد از آب و برق نوبت آبشارت و جاده بود. آن‌قدر دوندگی کرد و آن‌قدر در برابر مقاومت مردان روستا که می‌گفتند «مرگ بهتر است تا اینکه به یک زن امضا دهیم که نماینده ما باشد، مقاومت کرد تا سر آخر موافقت جهاد روستایی را برای اسفالت‌کردن امیرآباد گرفت. او از جهاد کشاورزی خواست حالا که روستایشان جاده اسفالت‌دار دارد در ورودی روستا هم یک میدان برانزده بسازند. الان به روستای امیرآباد که بروید باید اول دور این میدان بچرخید و وارد روستا شوید. گیاهی هم‌زمان با این کارها زیرساخت‌های اولیه را داشت فراهم می‌کرد تا نانوائی روستا را راه‌اندازی کند. بعد از نانوائی نوبت مدرسه راهنمایی بود. امروزه در نانوائی امیرآباد برای ۱۴ روستای هم‌جوارشان نان پخته و بسته‌بندی و ارسال می‌شود. سال ۱۳۸۱ همان هم‌روستایی‌ها که ابتدا در برابرش مقاومت می‌کردند او را به عنوان عضو شورای حل اختلاف انتخاب کردند. چهار سال بعدش هم یعنی در سال ۱۳۸۵ به رای او دادند تا عضو شورای شهر و روستا نماینده رسمی همه اهالی برای ساختن روستایشان باشد. در همان سال دو جایگاه شیر احداث کردند که تأمین‌کننده بخشی از شیر کارخانه‌های لبنی منطقه شده‌اند. ساختن کتابخانه و زمین ورزش و فوتبالی به مساحت سه هزار مترمربع هم جز، کارهای تعاونی غیردولتی الزهرا در روستای امیرآباد است. اکنون روستای امیرآباد همچون شهرکی تمیز و زیبا در دل کویر خودنمایی می‌کند. این روستا با روستاهای اطراف تفاوت چشمگیری دارد. تمام پشت‌بام‌های روستا ایوگام نقره‌ای شده و مردم روستا هفته‌ای یک‌بار روستایشان را نظافت می‌کنند. تلاش‌های این زن سبب شده مردم به دکان زندگی‌شان بیایند. خانم گیاهی می‌خندد و با غرور می‌گوید در روستای امیرآباد که به گفته اهالی‌اش «درست مثل یک پاریس کوچک است»، مهاجرت وجود ندارد و سال‌هاست که تعداد خانوارهای روستا ثابت است، مثل بیشتر شهرنشین‌ها با خودم می‌گویم این تهران را رها کنم و بروم به امیرآباد. دوباره فکری می‌کنم و می‌گویم می‌شود فکری هم به حال شهر ما بکنید؟ می‌خندد و می‌گوید تا دیر نشده خودتان برایش کاری کنید، حداقل از محله خودتان که می‌توانید شروع کنید، نه؟

گزارش

ناراحتی برای گربه تا انتخاب لباس

گیسو ففغوری

نوید محمدزاده که برای اکران فیلمش به مشهد رفته بود، به‌دلیل پوشیدن لباسی مورد هجمه قرار گرفت، همین هجمه برای یکی از زنان بازیگر ایران رخ داد که برای مرگ گربه‌اش متنی کوتاه در صفحه شخصی‌اش در اینستاگرام نوشته است. طبق روال شبکه‌های اجتماعی، هر دو طرف موافق و مخالف در این شبکه‌ها در مدت کوتاهی به آخرین حد واکنش رسیدند. این روال معمول است؛ انکار نمی‌توان انتظاری از کسی داشت. مثال واضح این روزها دونالد ترامپ است. یکی از قدرتمندترین افراد روی زمین که در استفاده از کلمات هیچ آدایی را رعایت نمی‌کند. شاید واقعا نمی‌توان انتظار داشت که دیگران هم نکته‌های عادی نظری انصاف، حقوق افراد، احترام به حریم شخصی و... را رعایت کنند. واقعا نباید انتظار داشت؟ نباید انتظار داشت کاربران به‌خصوص افرادی که فالوئرهای بیشتری دارند در این موارد حداقل نکتاتی را در اظهارنظر رعایت کنند؟ واقعا جای این سؤال تکراری هست که چرا این اتفاق‌ها مدام و مدام می‌افتند. چرا فردی که متنی می‌نویسد باید آن چنان زیر فشار قرار گیرد که خودش برای خودش محدودیت به وجود بیاورد. واقعا چرا ما – از مخاطبان تا خبرنگاران، مصلحان اجتماعی، سلبریتی‌های شبکه‌های اجتماعی و... – چه انتظاری از بازیگران و افراد شناخته‌شده داریم که این چنین می‌توانیم احساس حق کنیم و نظر خود را درست‌ترین نظر بدانیم؟ چرا ما می‌توانیم از بازیگران و افراد مشهور انتظار داشته باشیم فقط طبق خواسته ما رفتار کنند؟ چرا فراموش می‌شود که آنها انسان هستند با خواسته‌ها، احساسات و هر آن چیزی که بر انسان دیگری می‌تواند از آن برخوردار باشد؟

۱- می‌دانیم و همه می‌دانند، لازمه سلبریتی بودن، شهرت و داشتن طرفداران بالا، برقراری ارتباط با مخاطبان از راه‌های مختلف است. هنگامی که بلیت نمایش فلان بازیگر به یک میلیون می‌رسد و او سود مادی و معنوی را از هر دو طرف می‌برد، آیا این دلیل می‌شود که درباره کوچک‌ترین جزئیات زندگی‌اش قضاوت کنیم.

۲- می‌دانیم و همه می‌دانند بازیگران ایرانی آن‌قدر که باید حواسشان به لباس، گفته‌ها، رفت‌وآمد، حتی چگونگی انتخاب پوشش و مسائل خصوصی‌شان باشند، در هیچ جای جهان این‌گونه نیست، اما در انتها هم همه سری به تاسف تکان می‌دهند و با سینما و فساد جمله می‌سازند.

۳- می‌دانیم و می‌دانند بازیگران ایرانی درگیر مسائل مختلفی هستند، آنان علاوه بر نحوه انتخاب نقش‌هایشان باید رویکردهای اجتماعی خود را مدنظر داشته باشند. آنان هر چندوقت یک‌بار از سوسی طرفدارانشان، دستگاه‌های مختلف و همین‌طور مسئولان بازخواست می‌شوند.

۴- برنامه ۲۰:۳۰ علیه نحوه پوشش نوید محمدزاده برنامه‌ای تهیه می‌کند و او را با بازیگران جهان و لباس‌های رسمی‌شان مقایسه می‌کند، کاربران به نکات مختلفی اشاره می‌کنند، آیا اگر او کراوات می‌زد و لباس رسمی می‌پوشید ایراد دیگری به او نمی‌گرفتند؟ کاربران به سیما اعتراض کرده‌اند که چرا انتظار دارید او با فرهنگ ایرانی ظاهر شود وقتی که حتی برپایی روز کوروش در پاسارگاد با بسیاری از مسائل عجیب عینتر می‌شود؟

وقتی یکی از بازیگران عکسی از گربه‌اش که مرده، در فضای مجازی منتشر می‌کند، بدترین فحش‌ها نثارش می‌شود. حتی یکی از افراد همیشه معترض او را با الفاظ ناشایست خطاب کرده است. یکی دیگر نوشته خدا رو شکر نباید برای پسرم توضیح می‌دادم چرا به خانم خوشدو #مامان به گربه می‌دونه! به نظر می‌رسد همه در ابراز واکنش به این رفتار حالتی از خودبی خود پیدا کرده‌اند، این منطق دور شده‌اند و فقط حس تحریب دارند. چرا باید خیرسازای از صفحه شخصی یک فرد طوری انجام شود که تبدیل به ماجرا شود؟ چرا فقط با نفرت پراکنی سعی می‌کنیم طرفداران بیشتری داشته باشیم. برخی کامنت‌ها که فراتر است، بی‌احترامی به کل ایران است مثلا «این گربه‌به ایران ماست...». تعدادی از موافقان هم استدلال‌های مختلفی کرده‌اند و نمونه‌هایی از کشورها و افراد مشهور جهان و ایران آورده‌اند که حیوانات شخصی داشته‌اند و با آنها عکس دارند یا نسبت به آنها ابراز احساسات کرده‌اند.

۵- هم‌زمان ماجرای رسوائی جنسی کوین اسپسی مطرح شده و مردم، رسانه‌ها و تولیدکنندگان سریال «خانه پوшали» که بن ماجرا واکنش نشان داده‌اند، بیانیه او را به شخصیت آندروود تشبیه کرده‌اند و در نهایت هم اعلام شد به‌خاطر آن قرار است فصل ششم این سریال معروف متوقف شود. واکنش‌ها به شخصیت‌های مشهور هم‌جا وجود دارد، کاش بسیاری از ما که داعیه اخلاق را داریم کمی بیشتر رعایت می‌کردیم.

پیشنهاد

زبان‌شناسی و تاریخ با آثار پژوهشگرانی مانند مسعود ربیعی، محمد بشرا، هومن یوسف‌دهی، کیله‌وا دلمی، لیلای فیرومنزد، زهرا زارع و هومن صدیقی گنجانده شده است. جامعه و صنعت، جشن‌نامه، ویژه اولین دوره جایزه ادبی مجله دیلمان، هنر، گزارش از نمایشگاه و شعری که زندگی است، از دیگر بخش‌های این مجله ۴۹۰صفحه‌ای با قیمت ۱۲ هزار تومان هستند.

و اندیشه قرار گرفته است. در شماره جدید این مجله پرویمیا که مهدی بازگانی، سردبیر و مدیرمسئولش است، علاوه بر مقالاتی مانند «شاملو در روزگار عسرت»، «خاطراتی از احمد شاملو در سیاهکل» و «نامه‌ای عاشقانه از شاملو به آیدآ» از نویسندگانی مانند رحمت موسوی و فرهاد رجبی، بخش‌هایی مانند گیلان‌شناسی، نقدنامه، زنان، تأملات، کتاب‌نامه، محیط زیست،

خاطرات سفر احمد شاملو در دیلمان

هفتمین شماره از مجله فرهنگی و اجتماعی «دیلمان» با پرونده‌ای ویژه خاطرات احمد شاملو در سفر گیلان منتشر شده و از اواخر مهرماه در دسترس علاقه‌مندان به فرهنگ



و از اواخر مهرماه در دسترس علاقه‌مندان به فرهنگ